

Investigation and analysis of the Quranic content of fiction works by Reza Amirkhani based on Biotan novel*

Kayomars Rajabi

Master of Science in Quran Sciences, Razi University of Kermanshah

Dr.Mohammadnabi Ahmadi¹

Associate Professor of Arabic Language and Literature, Razi University of Kermanshah

Abstract

Considering the rationality and thoughtfulness of the Holy Qur'an, along with the advancement of rational and transcendental sciences in the light of the teachings of this noble book, literary scholarship has progressed significantly and has shown a remarkable achievement in Islamic civilization. This feature is not limited to Arabic literature, but also from other languages of the Muslim world, including Persian language and literature, in direct interaction with the Holy Qur'an, through which massive works of Quranic verses in Farsi have been written. In the last century, along with the advent of Western literature, Persian literature has also evolved and in the field of fiction literature, we have witnessed the emergence of newer styles, such as short stories and novels. Based on this, many writers of the field of contemporary fiction literature have been trying to reflect on their own talents and present a reflected glimpse of the verses of the Holy Qur'an in their works, each of which has been on its way up and down. One of these writers is Reza Amirkhani, who has paid attention to this issue in his work and, in most of his novels, has been reflecting a general overview of the Qur'anic values.

Keywords: The Holy Quran, Reza Amirkhani, Biotan's novel, Theme of the story, Sacred Defense Literature.

* Date of receiving: 2018/3/8

Date of final accepting:2019/6/10

1 - email of responsible writer: mn.ahmadi217@yahoo.com

فصلنامه علمی کاوش‌نامه

سال بیستم، زمستان ۱۳۹۸، شماره ۴۳

صفحات ۴۳ الی ۶۸

بررسی و تحلیل محتوای قرآنی رمان بیوتن*

کیومرث رجیبی

دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآنی دانشگاه رازی

دکتر محمد نبی احمدی^۱

دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی

چکیده:

زبان و ادبیات فارسی از دیرباز مانند دیگر زبان‌های اسلامی در کنش مستقیم با قرآن کریم بوده و آثار انبوهی با محوریت قرآن کریم به زبان فارسی به رشته تحریر در آمده است. در قرن اخیر، همزمان با پیشرفت ادبیات غرب، ادبیات فارسی نیز متحول شده و در حوزه ادبیات داستانی ظهور قالب‌هایی چون داستان کوتاه و رمان را شاهد بوده‌ایم. براین اساس، بسیاری از نویسندگان حوزه ادبیات داستانی به فراخور حال و استعداد خویش سعی کرده‌اند جلوه‌ای از آیات قرآن کریم را در آثار خویش بازتاب دهند که هر یک در این مسیر فراز و فرودهای خاص خود را طی کرده‌اند.

از جمله این نویسندگان می‌توان به رضا امیرخانی اشاره کرد که در آثار خویش به این مهم توجه داشته و در اکثر رمان‌های خویش به بازتاب کلیاتی از مفاهیم و ارزش‌های قرآنی پرداخته است. در میان آثار وی، رمان «بیوتن» با توجه به مسائل ساختاری، زبانی و سبکی از یک سو و رویکرد اجتماعی-انتقادی آن از سوی دیگر، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. می‌توان گفت وی در این اثر سعی کرده با استفاده هنری و زیبا شناختی خاص از آیات قرآن کریم به نوعی تفسیر داستانی از برخی آیات قرآن کریم بپردازد.

این نوشتار که با روش توصیفی تحلیلی سامان پذیرفته، برآن است تا با اشاره به نحوه استفاده امیرخانی از واژگان و مفاهیم قرآنی، مقوله پرداخت تئوریک و شکل ساختاری خاص قلم وی در نقل و ارائه آیات قرآنی بررسی گردد و به آسیب شناسی مختصری در باب شکل ساختاری طرح مفاهیم قرآنی در رمان بیوتن پرداخته شود.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، رضا امیرخانی، رمان بیوتن، درونمایه داستان، ادبیات دفاع مقدس.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۳/۲۰

۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: mn.ahmadi217@yahoo.com

۱- مقدمه

با دقت در قرآن کریم، موارد فراوانی یافت می‌شود که از قالب داستان و قصه سرایی، به عنوان بستری برای بیان و انتقال محتوای وحی قرآنی مورد استفاده شده است. چنان که گفته‌اند: «بخش وسیعی از قرآن -حدود یک چهارم [آن]- را قصه‌ها تشکیل می‌دهند و می‌توان گفت تمام جنبه‌های هدایت نیز در آن آمده است» (اشرفی، ۱۳۸۵: ۱۲۰) نمونه بارز این مقوله در سوره‌هایی مانند: یوسف، کهف، قصص و... مشهود است. خداوند در ابتدای سوره یوسف (ع) صراحتاً، موضوع ارائه محتوای وحی در چارچوب داستان را با قید «أَحْسَنَ الْقَصَصِ» بیان می‌کند: «نَحْنُ نُقْصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ» (یوسف (۱۲)، ۳) در توضیح «أَحْسَنَ الْقَصَصِ» نیز گفته‌اند: «کلمه؛ احسن القصص، به معنای بهترین قصه‌ها نیست؛ به معنای خود قصه گفتن است، خداوند در این آیه می‌خواهد امتیاز و برتری تاریخ نگاری قرآن را در انتخاب بهترین اسلوب و روش قصه نگاری معرفی کند، که عبرت‌گزینی در تاریخ نگاری است.» (معرفت، ۲۰۰۲: ۲۶۹)

براین اساس، مقوله ادبیات و بخصوص مبحث ادبیات داستانی نه تنها موضوعی در خلاف جهت ساختمان و ساحت ترکیبی و محتوایی قرآن کریم نیست، بلکه با در نظر داشتن مشخصه‌های داستان سرایی قرآنی، می‌تواند به عنوان رسانه‌ای تعالی بخش، در دسترس بشریت قرار گیرد. گفته شده است: «در اصطلاح قرآنی، داستان به مفهوم گسترده آن، پدیده‌ای است هندسی که ساختار هندسی ویژه‌ای دارد. داستان‌نویس یک یا چند حادثه و نیز وضعیت‌ها، شخصیت‌ها و محیط‌ها را برمی‌گزیند و آنها را به زبانی تعبیر می‌کند» (بستانی، ۱۳۷۶: ۱۳/۱). با توجه به ماهیت ساختاری و نگارشی قالب‌هایی همچون رمان و داستان کوتاه، واضح است که این قالب‌ها مانند ادبیات تعلیمی و سنتی نمی‌تواند در گستره معنایی و نگارشی خویش، به شرح و تبیین مفصل آیات قرآنی بپردازد. بنابراین اگر یک متن ادبی و داستانی در بستر سلسله حوادث خویش و یا از جهت زاویه دید خود، بخواهد به آیات قرآنی، نظر داشته باشد، باید از تمامی ظرافت-

های هنری ممکن در جهت ارائه احسن این برداشت‌ها بهره ببرد. از این‌رو، اگر نویسنده‌ای بخواهد در حوزه ادبیات داستانی به شرح و تبیین مفهومی از مفاهیم قرآنی و یا درج آیاتی از قرآن کریم بپردازد، باید باتوجه به رسالت نگارشی خویش، همچنین ظرفیت قشر مخاطب خود تمامی جوانب کار را در نظر بگیرد.

در میان نویسندگان معاصر رضا امیرخانی را می‌توان از جمله موفق‌ترین رمان‌پردازان معاصر دانست که جدا از سعی بلیغ این نویسنده در نشر و گسترش اندیشه‌های قرآنی، دستاوردهای قابل توجهی نیز از جهت سبک و تکنیک نگارشی نیز بر آثار این نویسنده مترتب است. می‌توان گفت آثار رضا امیرخانی و خصوصاً رمان «بیوتن»^۱ از نظر پرداخت محتوا و مفاهیم قرآنی در میان آثار داستانی معاصر بی‌نظیر است. در این مقاله، سعی شده است نوع ارائه آیات و مفاهیم قرآنی در کنار برداشتها و تأویل‌های نویسنده بررسی گردد. این مهم می‌تواند ضمن برشمردن ضعف‌های احتمالی موجود، نکات برجسته سبکی در حوزه انتقال مفاهیم قرآنی به وسیله رسانه ادبیات داستانی را مبرهن سازد.

۱-۱- بیان مسأله

علاوه بر تکنیک‌های متفاوت امیرخانی در حوزه داستان‌پردازی، می‌توان گفت آنچه که آثار این نویسنده را از سایر آثار مشابه خود در حوزه ادبیات داستانی دفاع مقدس متمایز کرده، رویکرد قرآنی حاکم بر این نوشته‌هاست. در این نوشتار نخست به این سؤال پرداخته می‌شود که محتوای قرآنی رمان بیوتن شامل چه مواردی می‌شود؟ در گام بعدی سعی شده است فرضیه موفقیّت امیرخانی در طرح و انتقال داده‌های قرآنی با سبک نوشتاری خاص او مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۲- پیشینه تحقیق

درباره آثار رضا امیر خانی مقاله‌های چندی به رشته تحریر درآمده است. برای نمونه، گرجی و حامدی در مقاله «بررسی و تحلیل رمان بیوتن با تأکید بر عنصر شخصیت» (۱۳۸۹) نمود ظاهری آیات قرآن را در خلال گفتگوها بررسی کرده‌اند و

میزان توجه شخصیت‌های داستان به قداست قرآن کریم را در ذیل کنش‌های داستان و بررسی تحول شخصیت‌های رمان را بیان کرده‌اند.

سهیلا فرهنگی و معصومه باستانی در مقاله «نشانه‌شناسی اجتماعی رمان بیوتن» (۱۳۹۳) در کنار پرداختن به نشانه‌های هویتی نظیر دین، زبان، مکان و...، اشاره مختصری به کاربرد آیات قرآنی داشته و چند نمونه از آیات درج شده در رمان را بازگو کرده‌اند.

غفاری در مقاله «پسامدرن تصنعی» (۱۳۸۹) کوشیده است شاخصه‌های فراداستان را در رمان بیوتن بررسی کند؛ هنگام پرداختن به مؤلفه‌هایی مانند: بازیگوشی‌های چاپی و عشق نویسنده به شخصیت اصلی رمان، مواردی از محتوای قرآنی بیوتن را مورد توجه قرار داده است. در این مقاله درج علامت سجده قرآن و علامت دلار همچنین توجه به تنهایی پیامبرگونه شخصیت اصلی رمان در جامعه‌ای گناهکار، بستری برای تقابل میان سنت و مدرنیته پنداشته شده و این نوع تقابل خود از چالش‌های اساسی پسانوگرایی قلمداد شده است.

بحجت السادات حجازی در مقاله «نقدی بر دو رمان از رضا امیرخانی» (۱۳۹۰) به نقد دو رمان امیرخانی پرداخته است. طاهره صبّاغیان در پایان‌نامه «سبک‌شناسی داستان بیوتن» (۱۳۹۱) به راهنمایی دکتر محمود بشیری در حدود ده صفحه از این پایان‌نامه را به محتوای قرآنی این رمان اختصاص داده است.

در مقالات و پایان‌نامه ذکرشده توضیحات مختصری پیرامون برخی آیات موجود در رمان بیوتن صورت پذیرفته است، اما صرف بررسی و تحلیل نحوه پرداخت داستان گونه آیات قرآنی با نگاه به اثری خاص مورد توجه قرار نگرفته است.

۲- رضا امیرخانی؛ آثار و اندیشه‌ها

رضا امیرخانی در سال ۱۳۵۲ در تهران متولد شد. این نویسنده جوان از جمله نویسندگان معاصر است که از سال ۷۴ به بعد دست به قلم برده و توانسته است آثار

قابل توجهی در حوزه دفاع مقدس خلق کند. اولین کار جدی او *ارمیاست* که مضمونی عارفانه دارد و به جنگ و دفاع مقدس می‌پردازد. مجموعه داستان کوتاه: *ناصر/ارمنی* دومین اثر این نویسنده می‌باشد.

در کارنامه ادبی امیرخانی علاوه بر این دو اثر رمان‌های *من/او*، *بیوتن* و *قیدار* و نیز داستان بلند: *زبه* به چشم می‌خورد. امیرخانی در زمینه سفرنامه‌نویسی نیز دو اثر: *داستان سیستان* و *جانستان کابلستان* را از خود به یادگار گذاشته است. بر اساس این نوع نگاه متفاوت وی است که در تبیین آثار وی گفته‌اند: «امیرخانی نویسنده‌ای آفاقی _ انفسی است؛ هم سفر در بیرون را بسیار تجربه کرده است و هم سلوک و سیر در درون را و امتزاج این دو تجربه از او شخصیتی دقیق، عمیق و همه جانبه ساخته است. وجه مشترک آثار امیرخانی جستجوگری در حوزه هویت است. او بخوبی راه تبدیل کردن خاطره و تجربه به داستان را می‌داند و از آن بهتر راه تبدیل تجربه به تحلیل را هم خوب می‌شناسد و به کار می‌گیرد. وی گاهی اوقات تجربه نگاری نمی‌کند؛ بلکه پای دغدغه‌های شخصی‌اش را به آثارش باز می‌کند» (شاهنگی، ۱۳۹۲: ۸-۲).

امیرخانی در افق دید خود اهدافی متفاوت با دیگر نویسندگان هم‌سلک خود را مد نظر داشته است. وی در ورای تمام انتقادات خود به مناسبات جامعه معاصر ایرانی و خصوصاً مناسبات بعد از جنگ، می‌خواهد نحوه‌ای از زیستن و حیات را به مخاطب خود ارائه کند که در پرتو آن، ضمن دریافت و شناسایی هویت اصیل خود، مهارت‌های زیستن در دوران معاصر را دریابد.

در گام بعدی، هدف اصلی امیرخانی از طرح مفاهیم دینی، شرح و تفصیل زندگی دیندارانه در بستر تعلقات و ملازمات زندگی امروزی است. امیرخانی در این زمینه، چنین گفته است: «تصور من این است که ما موظفیم زندگی دین‌دارانه در دنیای معاصر را شرح بدهیم. بهترین جای شرح آن، رمان است. درنگاه کلی‌ام و در همه کارهایم وجهه هم‌تم این است که سعی کنم زندگی دیندارانه در دنیای امروز را شرح دهم.» (اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۳۳)

امیرخانی با عنایت به نقش سازنده رسانه ادبیات داستانی در حوزه انتقال ارزش‌های انقلاب اسلامی، با انتقاد از نگاه‌های منفی نسبت به ادبیات داستانی، ادبیات داستانی را همچون منبری برای انتقال ارزش‌های دینی می‌پندارد؛ ارزش‌هایی که پیاده شدن آن در ساحت زندگی انسان‌ها موجب تقرّب آنان خواهد شد. امیرخانی به جای طرد این قالب‌ها، تصرف و دگرگونی این مقوله را پیشنهاد می‌کند. «رمان چیزی نیست که انسان نتواند در آن تصرف کند. ژورنالیسم چیزی نیست که نشود در آن تصرف کرد. ما کارمان تصرف در این قالب‌هاست. من به عنوان منبر به رمان نگاه می‌کنم. یعنی من باید در این منبر حرف بزنم. حرفی که واقعاً باعث تقرّب مردم می‌شود.» (همان: ۳۶ و ۳۷)

با عنایت به این نوع نگاه امیرخانی به مقوله ادبیات داستانی و خصوصاً قالب رمان و نیز با توجه به میزان بالای ظهور مفاهیم و معانی قرآنی در آثار داستانی این نویسنده، می‌توان گفت وی در آثار خویش، سعی دارد با استفاده از تکنیک‌های هنری حوزه فن داستان‌نویسی و با خوانش داستانی و زیبا شناختی خاص خود از آیات قرآن کریم، به نوعی تفسیر داستانی از برخی آیات قرآن کریم بپردازد؛ تفسیری که طی آن، باطن ارزش‌های قرآنی برای به کارگیری در عرصه زندگی، آن هم زندگی در دنیای معاصر با تمامی متعلقات آن به خواننده ارائه می‌گردد.

دقت در متن نوشته‌های امیرخانی فرازهایی را نشان می‌دهد که وی در آنها بخوبی توانسته است تأویل‌ها و تفسیرهای نوینی از برخی مقولات قرآنی به مخاطب خود ارائه کند که بسیاری از آن برداشت‌ها در نوع خود قابل تأمل است.

۲-۱- رمان بیوتن؛ درون‌مایه و ساختار نگارشی

رمان بیوتن، داستان یک مجروح جنگی به نام «ارمیا» است که بعد از گذشت سالها از جنگ هنوز در حال و هوای جبهه و جنگ و چراها و اما‌های آن قرار دارد. «ارمیا» شخصیت اصلی این داستان جانباز است که بیشتر هم‌زمان او در زمان جنگ شهید شده‌اند. او هر هفته یک روز به مزار شهدا رفته و با رفقای شهیدش خلوت می‌کند. در

یکی از همین روزها با یک دختر ایرانی مقیم آمریکا به نام «آرمیتا» آشنا می‌شود. این آشنایی کم کم ادامه پیدا می‌کند و به قرار ازدواج با آرمیتا می‌انجامد. آن دو با هم قرار می‌گذارند که ارمیا به آمریکا مهاجرت کند تا در آنجا ازدواج کنند.

ارمیا راهی آمریکا می‌شود، اما از همان بدو ورود تضادها و تفاوت‌های عمیقی را بین دنیای خود با دنیای آرمیتا حس می‌کند. چنانکه ملاحظه شد، «داستان دارای طرحی ساده است. نویسنده در مواردی خاطراتی از گذشته نقل می‌کند که در ترتیب منطقی و پشت سرهم حوادث تغییری ایجاد نمی‌کند» (غنی و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۱).

در این داستان، نقاط تعلیق فراوانی وجود دارد که خواننده را مشتاق به دانستن ادامه ماجرا می‌کند. در جایی از متن رمان، نویسنده وارد فضای داستان شده و از خواننده می‌خواهد از بین پنج گزینه یک مورد را برای ادامه داستان انتخاب کند. در بین این پنج گزینه نیز آیاتی از قرآن به چشم می‌خورد. این مهم به نوبه خود نشان دهنده میزان هنرمندی نویسنده در استفاده داستانی از آیات قرآن کریم است. براین اساس، وی در یک چهارم ابتدایی کتاب و هنگامی که شرحی مختصر و کلی از مناسبات و کنش‌های حاکم بر رمان را ارائه می‌کند و چنین می‌نویسد: «امروز در داستان نویسی مدرن احترام به نظر مخاطب یکی از شیوه‌های دموکراسی فرهنگی است. بنابراین یکی از گزینه‌های زیر را برای ادامه‌ی داستان انتخاب فرمایید:

۱- ارمیا معمر با آرمیتا پناهی ازدواج می‌کند و با مسائل زندگی جدیدش دست و پنجه نرم می‌نماید تا در کشاکش دهر معلوم شود چند مرده حلاج است. که به قول جاسم: *أَسَدٌ عَلَيَّ وَ فِي الْحَرْوِبِ نَعَامَةٌ*. (با من شیر است و در جنگ شتر مرغ)

۲- ارمیا معمر به دلایل واهی ازدواج با آرمیتا را به تأخیر می‌اندازد و البته به قول جاسم: *فِي التَّأخِيرِ آفَاتٌ...*

۳- خشی پیش از اقدام ارمیا، پیش دستی می‌کند و با آرمیتا ازدواج می‌کند که

به قول جاسم: کلَّ يَعْمَلُ عَلَيَّ شَاكِلَتَهُ!

۴- ارمیا بدون توجه به آرمیتا اقدام به بازگشتن به ایران می‌نماید و مجدداً

گرفتار مسائل داخلی ایران می‌گردد و به عنوان یکی از آحاد ملت مشغول

به کار می‌گردد که به قول جاسم: وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ!

۵- ارمیا در ادامه داستان در ماجرای مشکوک توسط سازمان‌های امنیتی-

اطلاعاتی ایالات متحده گرفتار می‌آید و به قول جاسم: كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا

فَان! (امیرخانی، ۱۳۸۹، ۱۰۸)

زاویه دید داستان متغیر است. جاهایی از رمان با زاویه دید نویسنده و قسمت-

های دیگر از زبان و دیدگاه شخصیت ارمیا نقل می‌شود و این تغییر زاویه دید، بکرات

در رمان اتفاق می‌افتد. داستان دارای شخصیت‌هایی تپیک و اصلی مانند ارمیا و خشی

و شخصیت‌های ساده و تک بعدی فراوانی است که هر یک نقش عمده‌ای در تدوین

اعمال داستانی ایفا می‌کنند. در این داستان، گفتگو نقشی اساسی در شناساندن

شخصیت‌ها و پیشبرد سیر داستان ایفا می‌کند.

صرف نظر از سایر جنبه‌های ساختاری و شکلی رمان، می‌توان درون مایه اصلی

بیوتن را نکوهش نظام سرمایه داری و جنبه‌های مادی گرایانه حاکم بر این مناسبات

اعلام کرد. نویسنده برای این منظور شخصیت مخلص و معنوی ارمیا را با اندوخته‌ای از

تجربیات دفاع مقدس در فضای مادی گرایانه آمریکا رها نموده و بارها وی را در تقابل

با مشکلات زندگی دنیاپرستانه قرار می‌دهد.

ارمیا در آمریکا دچار درگیری ذهنی بین سنت و مدرنیته می‌شود، سنتی که یادگار

ایران است و مدرنیته‌ای که در هوایش تنفس می‌کند. ارمیا در آمریکا با مشکلات زیادی

دست و پنجه نرم می‌کند؛ اما مشکل اساسی او عبارت است از مشکل تقابل فرهنگ‌ها.

شخصیت دیندار ارمیا در برخورد با جامعه تکنولوژی زده و خدا ناباور آمریکا با

مشکلاتی همچون: نداشتن شغل ارزشی و دین محور، نبود مکانی مناسب برای عبادت، عدم پابندی اطرافیان به حفظ آداب شرعی، تلاش برای تهیه غذای حلال و... روبرو می‌شود.

می‌دانیم که «داستان نویسی در دهه‌های اخیر شاهد تحول شگرفی شده است. نویسندگان تجربه‌گرایی پا به عرصه نهاده‌اند که در شیوه‌های نویسندگی به مولفه‌های تازه‌ای توجه داشته‌اند: از جمله، نگاه نو به انسان و جهان، توجه به اسطوره و تاریخ ملی و مذهبی، گرایش شدید به بعد زبان، به کارگیری شیوه‌های جدید روایت‌گری، پرهیز از شعار، به هم ریختن نحو کلام، ابهام و پیچیدگی‌های معنایی (دماوندی و جعفری کمانگر، ۱۳۹۱: ۱۴۷-۱۳۷).

امیرخانی را می‌توان از جمله نویسندگان متفاوت حوزه دفاع مقدس دانست که برای انتقال اندیشه یا تفکر خاصی خاص داستان‌هایی در دنیای زبان ایجاد می‌کند. بر این اساس، به نظر می‌رسد آنچه رمان بیوتن را از رمان‌های مشابه در حوزه ادبیات داستانی دفاع مقدس متمایز می‌سازد مشخصه‌های فنی و تکنیکی رمان است. مشخصه‌هایی که شامل: رسم الخط ویژه کتاب، توصیف‌های پویا و جذاب، استفاده مناسب از معانی و شکل‌های گوناگون کلمات، استفاده و استخدام خاص آیات قرآنی و خوانش‌های هنری و بلاغی آن، استفاده از تقابل‌ها در ابعاد مختلف در زبان و بیان، نگاه متفاوت به آموزه‌های دینی و عنوان رمان در کنار ابعاد محتوایی متن می‌شود.

۳- محتوای قرآنی رمان بیوتن

دقت و بررسی رمان بیوتن نشان می‌دهد که در متن و دیالوگ‌های این رمان ۴۸۰ صفحه‌ای؛ ۷۶ بار از آیات قرآن کریم استفاده شده که اگر تکرارها حذف شوند مجموعاً شامل ۴۸ آیه متنوع از ۲۸ سوره است و در پاره‌ای از موارد، با تأویل‌های طنزآمیز همراه است. تأویل‌های طنزآمیز موجود در این کتاب، به نوعی نشان دهنده نگاه غیر عقلانی برخی انسان‌ها به مناسبات این عالم است که در بخش‌های بعدی بررسی می‌شود.

می‌توان گفت: «کاربرد فراوان آیات قرآن در رمان بیوتن که بخش اعظم ماجراهای آن در بلاد کفر می‌گذرد، نشانه آن است که نویسنده قصد دارد هویت اسلامی شخصیت قهرمان داستان را به تصویر بکشد و نشان دهد که مسلمان هرکجا باشد، کلام الهی همراه اوست. به کارگیری حدود سی آیه در این رمان در بین رمان‌های فارسی بی سابقه است» (فرهنگی، باستانی خشک بیجاری، ۱۳۹۳: ۱۲۹). در این رمان، علاوه بر نقل اصل متن عربی آیات قرآن کریم با ترجمه آن، بسیاری از دریافت‌های قرآنی مانند: مقوله شهید و شهادت، رزق حلال، رجعت، سنت‌های الهی و... همچنین ترجمه پاره‌ای از آیات قرآن کریم بدون ذکر متن عربی نقل شده است.

در این نوشتار، سعی شده است به صورت گزینشی تمامی داده‌های قرآنی موجود در ظاهر و باطن رمان بیوتن اعم از اصل متن عربی و ترجمه، همچنین برداشت و تاویل‌های قرآنی موجود در این کتاب، بررسی گردد.

۳-۱- درج عین متن عربی و ترجمه فارسی آیات قرآن کریم

بررسی رمان بیوتن نشان می‌دهد در بیشتر مواردی که محتوای وحی قرآنی مورد نظر نویسنده قرار گرفته است؛ عین متن آیات قرآن کریم نقل شده است. (امیرخانی، ۱۳۸۷، ص ۲۵ و ۳۰ و ۳۲ و ۴۰ و ۶۱ و ۷۸ و ۱۰۸ و ۱۱۷ و ۱۹۸ و ۲۵۳ و ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۸۱ و ۲۸۵ و ۲۸۹ و ۲۹۴ و...) حتی نویسنده در یک مورد متن کامل یک سوره از قرآن کریم یعنی سوره نصر را درج نموده است. (همان، ص ۴۰۵) در موارد فراوانی نیز نقل ترجمه فارسی آیات مشاهده می‌گردد. (همان، ص ۵۶ و ۵۹ و ۷۸) به دلیل کثرت نقل آیات استفاده شده در متن بیوتن در این نوشتار امکان نقل و دسته بندی تمامی آیات مقدور نیست. با وجود این تحلیل شیوه درج آیات قرآن کریم در این اثر روند خاص و مشخصی را نشان می‌دهد. روندی که طی آن نویسنده با برجسته نمودن آیاتی خاص از قرآن کریم ذهن مخاطب خویش را به سمت مطالبی فراتر از محتوای درج شده در متن بیوتن سوق می‌دهد. برای نمونه، در متن این اثر، آیاتی خاص از سوره مبارکه «حجرات» (آیه ۱۲ و ۱۳) نقل می‌گردد (امیرخانی، ۱۳۸۷: ۲۰، ۶۱، ۶۲، ۷۸).

آنچه که در این مقام قابل تأمل است این است که امیرخانی وقتی در بستر جمله بندی اثر خویش به نقل ظاهری آیات می‌پردازد، ذهن مخاطب خویش را به سمت معنایی فراتر از ظاهر جملات ایراد شده خود سوق می‌دهد. به عبارت بهتر، می‌توان گفت امیرخانی در این مسیر به نوعی از ساختارگرایی نزدیک می‌شود. چراکه: «ساختارگرایی روشی تحلیلی است نه ارزیابی کننده. در این روش معنای آشکار اثر رد می‌شود تا ژرف ساخت آن نمایان می‌گردد» (ایگلتون، ۱۳۸۳: ۱۳۲). «ساختارگرایی در وسیع‌ترین معنا عبارت است از شیوه‌ی جستجوی واقعیت در روابط میان اشیاء» (اسکولز، ۱۳۷۹: ۱۸). در رمان بیوتن، می‌خوانیم: «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ. یعنی همانا بعضی از زن‌ها فقط اسم‌اند. مثل همین آر میتا. هیچی نیستند. فقط اسم زن را روی خودشان گذاشته‌اند. نه حیاتی، نه حجابی...» (امیرخانی، ۱۳۸۷: ۶۲) «و صدایی سستی می‌گوید، عرض نکردم؟! بعضی زن‌ها فقط اسم‌اند! فقط اسم، «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ». والّا زن حسابی با آچار می‌رود زیر ماشین؟!» (همان: ۷۸) امیرخانی در این قسمت با برجسته کردن دو واژه «ظن» و «اثم» به وسیله بازی با ظاهر این دو واژه سیری زایشی در ساختارهای معنایی خود خلق نموده است. سیری که مخاطب را وادار به تفکر در باب واقعیت و حقیقت دو واژه یاد شده می‌کند.

امیرخانی در این بستر، خواننده خویش را به مطالعه دقیق اثر و کشف عناصر سازنده‌ی آن ترغیب نموده است. در گام بعدی نیز به مخاطب خود، فضایی ذهنی جهت دریافت روابط حاکم میان عناصر داستان داده است. در این روش کشف چهارچوب کلی اثر بدون تحمیل توضیحات و توصیفات اضافی نویسنده فراهم می‌گردد.

برای نمونه، در یک جای بیوتن هنگامی که به آیه ۱۳ سوره حجرات می‌پردازد، از زبان شخصیت «خشی» می‌نویسد: «خشی گفت: توی این مملکت کسی تعارف نمی‌کند. این ایرانی بازی‌ها را باید فراموش کرد. وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا درست است، اما الان از دوره قبیله‌ای گذشته‌ایم، تعارف مال آن دوره است. (همان: ۲۰) چنانچه

مشاهده می‌گردد در این قسمت نیز دو واژه «قبائل» و «تعارفوا» خارج از محتوای مفهومی خود عرضه می‌شود و با این ترفند، فضای ذهنی مخاطب از ظاهر ارائه شده در متن داستان گذر نموده و به جستجو پیرامون اصل مفهوم واژگان ارئه شده ترغیب می‌گردد. علاوه بر این، نوع درج متن عربی آیات، موارد دیگری نیز به چشم می‌خورد که با نقل ساده عبارات عربی قرآن، عین ترجمه تحت اللفظی عبارات درج شده است. (همان: ۵۴، ۵۶، ۷۸)

۲-۳- محتوای مفهومی آیات قرآن کریم

علاوه بر آنچه که درباره بروز عین متن عربی و یا معنای فارسی آیات قرآن کریم در آثار امیرخانی نقل شد، در آثار نامبرده موارد فراوانی یافت می‌شود که محتوای مفهومی آیات درج گردیده است. منظور از مفاهیم قرآنی مطالبی است که در ذیل و در بستر متن قرآن کریم قابل برداشت می‌باشد.

برای نمونه، در متن قرآن کریم شخصیت‌های متفاوتی اعم از مثبت و منفی حضور دارند که سیمای شخصیتی آنان در گستره اعمال و کردارشان ترسیم شده و کنش‌های رفتاری آنان در میزان پایبندی به اعتقاداتشان ارزش گذاری شده است. بر این اساس، مفاهیمی همچون: تقوا، طاغوت ستیزی، جهاد، ایثار، تعقل و تفکر، رزق حلال، انفاق، تعاون و... به عنوان مفاهیمی ارزشمند مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در رمان بیوتن نیز شاهدیم نحوه ترسیم شخصیت‌های رمان و کنش‌های آنان به صورت الگویی نمادین از مفاهیم یاد شده پرداخته شده است. می‌توان گفت گرچه این اثر در نامگذاری مکانی و زمانی خود از افراد، ازمنه و اماکن قرآنی متفاوت است، اما در واقع، برگردانی است از سیره عملی همان شخصیت‌ها و مفاهیم.

بی‌شک، در نوشتار پیش رو امکان پرداختن به همه موضوع‌های مفهومی قرآنی موجود در متن بیوتن فراهم نیست؛ با این وجود سعی شده است در این زمینه دو موضوع: تحریف ناپذیری قرآن کریم و مقوله جهاد، شهید و شهادت مورد بررسی قرار گیرد. لازم به یادآوری است موضوع نخست در کمتر کتاب داستانی امکان بروز یافته و

بر این اساس نوع بیان این مقوله در بیوتن مورد توجه قرار گرفته است. همچنانکه مقوله دوم نیز از جمله مفاهیم پربسامد در بیوتن بوده و به همین علت مورد گزینش نگارنده جهت بررسی قرار گرفته است.

۳-۲-۱- تحریف ناپذیری قرآن کریم

در قرآن کریم در آیه مشهور به آیه «حفظ» (حجر ۹/۱۵) و آیه‌ای دیگر که به آیه «نفی باطل» مشهور است (فصلت/۴۱)؛ صراحتاً، بر نزاهت این کتاب گرانسنگ از هر گونه تحریف به کاستی یا فزونی تأکید شده است. بعلاوه، در ساحت ترکیبی و محتوایی قرآن با داده‌های علمی و عقلی تضادی وجود نداشته و دانشمندان غیر مسلمان بسیاری نیز بر این مهم صحه گذاشته‌اند. این مهم در مقایسه با سایر کتب ادیان توحیدی، نظیر تورات و انجیل از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ چراکه بر خلاف قرآن کریم، بسیاری از این کتب در مقایسه با وحی نخستین نازل الهی دچار تغییر و تبدل شده و آنچه که امروزه به عنوان کتب عهدین در دسترس بشریت وجود دارد، در موارد فراوانی مغایرت کامل با اصول عقلی و علمی دارد. چراکه: «عهد عتیق، مقداری کارهای ادبی محصول قریب به نه قرن را ارائه می‌کند و کاری ذوقی مرکب از قطعات بی نهایت ناموزونی را تشکیل می‌دهد که عناصر آن، در طول سنین، به وسیله انسان‌ها با افزایش قطعاتی به قطعات موجود تغییر داده شده، بنحوی که امروزه شناسایی منشأهایشان گاهی بسیار مشکل است» (بوکای، ۱۳۸۲: ۳۳۵ و ۳۳۷).

محققین حوزه علوم قرآنی و تفسیر در تبیین چرایی و چگونگی تحریف ناپذیری قرآن کریم دلایل عقلی و نقلی بسیاری ارائه داده و شواهد تاریخی فراوانی را به کمک طلبیده‌اند. از جمله روش‌های محققین در بررسی مقوله تحریف ناپذیری قرآن کریم، رجوع به نحوه کمی و کیفی تحریف در دیگر کتب مقدس ادیان الهی است؛ به این معنا که محققین ابتدا با توجه به شواهد و قراین تاریخی به بررسی متن کتب مقدس عهدین و نحوه جمع آوری این متون پرداخته، سپس با توجه به تناقضات درون متنی و محتوایی این کتب ادعای تحریف در این متون را به اثبات رسانده‌اند؛ حال آنکه با توجه

به تاریخ روشن نزول و کتابت وحی قرآنی و سنجش‌های موفق انجام گرفته پیرامون داده‌های علمی متن آن، هرگونه شائبه تحریف از ساحت قرآن کریم زدوده گشته است. بی‌شک، اثبات و تبیین جلوه‌های فرازمینی و غیر بشری بودن یک متن دینی با استفاده از داده‌های عقلی و علمی می‌تواند سهم به‌سزایی در پذیرش مبانی اعتقادی و دستورات عملی آن داشته باشد. حال، اگر یک نویسنده بتواند در یک متن ادبی آن هم بدون ارائه انبوهی از دلایل و توضیحات عقلی و نقلی بازتاب قابل توجهی از این مهم را به نمایش بگذارد، می‌توان گفت در نوع خویش شاهکاری بی‌نظیر آفریده است.

امیرخانی در این مسیر، سعی بلیغی نموده و بارها در آثار خویش با رجوع به کتب عهدین، کوشیده است گوشه‌هایی از محتوای تحریف شده این کتب را به خواننده خویش عرضه کند.

برای نمونه در رمان بیوتن می‌نویسد: «عهد عتیق، خطاب به او (ارمیای نبی) می‌نویسد: بدان که ترا امروز بر امت‌ها و ممالک مبعوث کردم تا از ریشه برکنی و منهدم سازی و هلاک کنی و خراب نمایی و بنا کنی و غرس بنمایی... وارمیا زیر لب می‌گوید: آخر چه جوری؟» (امیرخانی، ۱۳۸۷: ۱۵)

نمونه دیگر: «و خداوند به من گفت که برخیز این قوم دعا منما! چون روزه گیرند. ناله‌ی ایشان را نخواهم شنید و چون قربانی و هدیه گذرانند، هدیه ایشان را قبول نخواهم فرمود بل من ایشانرا به شمشیر و قحط و وبا هلاک خواهم فرمود... ارمیا فریاد می‌کشد: شیم آن یو(شرم تان باد)» (همان: ۲۳۳).

در این اثر، خواننده در کنار همراهی ذهنی با پیشرفت طولی سلسله حوادث داستان و تحت تاثیر اشارات ظریف نویسنده، از خود می‌پرسد: چرا باید خداوند پیغمبری را جهت انهدام و هلاک بخشی از جامعه بشری مبعوث کند؟ و یا اینکه پیامبری که اصولاً باید برای انذار و تبشیر قومی مبعوث شده باشد، چرا توسط خداوند به نفرین و هلاک این قوم رهنمون می‌شود؟ اگر خواننده ذهنیتی قبلی از نحوه پردازش

معقول و واقع‌گرایانه‌ی سیمای شخصیتی انبیای الهی در قرآن داشته باشد، روشنی اختلاف فاحش موجود در دو متن منسوب به یک منبع واحد را درمی‌یابد.

امیرخانی جدا از این قبیل اشارات گاهی صریحاً به طرح اشکالات اساسی موجود در متن کتب عهدین در مقایسه با نص متقن قرآنی پرداخته است. وی در این راستا در رمان بیوتن می‌نویسد: «عهد عتیق می‌گوید: و تمام جهان را یک زبان و یک لغت بود. و گفتند بیابید شهری برای خود بنا نهمیم و برجی که سرش به آسمان بیاساید تا نامی برای خویشتن پیدا کنیم... و خداوند نزول نمود تا شهر و برجی را که بنی آدم بنا می‌کردند ملاحظه نماید. و خداوند گفت قوم یکی ست و جمیع ایشان را یک زبان و این کار را شروع کرده‌اند... اکنون نازل شویم و زبان ایشان را مشوش سازیم تا سخن یک‌دیگر را نفهمند... و با اینکه طبق فهرست‌نگاری جهانی کتاب‌داری، فیبا، نویسنده تورات با قرآن یکی هست و هیچ نیست جز او اما در سوره روم از نشانه‌های او می‌داند اختلاف السنتکم و الوانکم را و نه وسیله‌ای برای تفرقه انداختن و حکومت کردن!» (همان: ۲۶)

با توجه به این که این نوشتار گنجایش نقل گسترده شاهد مثال‌ها را ندارد، باید متذکر شویم در قسمت‌هایی از رمان بیوتن که مطالبی از کتب عهدین و قرآن کریم نقل شده است، با توجه به سلسله حوادث رمان، خواننده به خوبی دو نوع نگاه متفاوت موجود در دو متن مقدس - یکی تحریف شده و دیگری متقن و بدون دخل و تصرف - را بخوبی درمی‌یابد.

۳-۲-۲- مقوله جهاد [شهید و شهادت]

از جمله مهم‌ترین مطالبی که در آیات فراوانی از قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است مقوله جهاد و در کنار آن مفاهیمی همچون شهید و شهادت است. این آیات به مباحثی چون: فلسفه و هدف جهاد، ارزش جهاد، انگیزه‌های جهادگران، آفات جهاد و... پرداخته است. مفاهیم شهادت و شهید نیز بکرات، در قرآن کریم مورد توجه قرار

گرفته و در این آیات نیز موضوعاتی از قبیل: ماهیت شهادت، جایگاه رفیع شهدا و... در کانون توجه بوده است.

امیرخانی از جمله نویسندگان موفق حوزه ادبیات داستانی دفاع مقدس است که در بستر آثار داستانی خود و با نثری متفاوت از متون عقیدتی و تعلیمی، مطالبی همچون ماهیت شهادت، ارزش شهید، اخلاص رزمندگان دفاع مقدس، گستره مفهومی و مصداقی جهاد فی سبیل الله و... را به مخاطب خویش ارائه کرده است. در این راستا، سیر حرکت طولی بیشتر آثار وی در بستر مفهوم جهاد حرکت نموده و مفاهیمی چون؛ شهادت، جانبازی، ایثار، اخلاص و... را می‌توان درون مایه اصلی پرداخته شده در نوشته‌هایش دانست. برای نمونه، بررسی و تحلیل رمان بیوتن نشان می‌دهد که دلیل انتخاب شخصیت اول داستان از طیف بازماندگان دفاع مقدس از یک سو و حضور خاطرات فریضه جهاد در گفتار، کردار و کنش‌های او از سوی دیگر، همچنین سیما، و نام شخصیت‌ها همگی بر اساس آیات قرآن کریم قابل تفسیر و تبیین است.

از جمله مشهورترین عبارات قرآن کریم در وصف شهیدان، موضوع حیات جاوید شهدا (بقره/۲) و مرزوق بودن این عزیزان در نزد خداوند (آل عمران/۳) (۱۶۹/۳) است. می‌توان گفت بخوبی به ای مفاهیم در رمان بیوتن پرداخته شده است؛ از این طریق که در این رمان بهترین دوست ارمیا فردی است به نام «سهراب» که شهید شده است. سهراب در رمان بیوتن حضور فیزیکی و جسمانی ندارد، اما همواره در کنار ارمیاست. ارمیا در این رمان بارها با سهراب درد دل می‌کند و با او حرف می‌زند. (امیرخانی، ۱۳۸۹، ۳۷ و ۳۹ و ۶۵ و ۶۸ و ۷۰ و ۱۳۸) گویی نویسنده با این ترفند به این اعتقاد که شهید نمرده و زنده است اشاره می‌کند. از جمله یکبار، وارد متن شده و این اعتقاد را نقل می‌کند: «همه‌ی تاریخ خط السیر همین گلوله است، گلوله‌ای که نشست میان دو کتف سهراب... سهرابی که نمرد، زنده‌تر شد» (همان: ۲۱۵). بر این اساس، حتی می‌توان گفت بنوعی قهرمان این داستان سهراب است. اوست که در بسیاری از جاها،

به ارمیا خط و جهت می‌دهد، هویت می‌بخشد و داستان را پیش می‌برد. سهراب در این قصه حضوری جسمانی ندارد، اما روحش بر کل داستان حاکم است.

۳-۳- ارائه برداشت‌های تأویلی و تفسیری نویسنده از آیات قرآن کریم

علم تفسیر به عنوان دروازه فهم و تبیین آیات قرآن کریم همواره از نخستین روزهای ظهور اسلام مورد توجه مسلمانان بوده و در قرون متمادی، کتب فراوانی در زمینه شرح و تفسیر آیات قرآن کریم به رشته تحریر در آمده است. علاوه بر این، بسیاری از علمای اسلام بر اساس مشی فکری و عقیدتی خویش، به تأویل آیات و تعیین مصداقی مفاهیم قرآنی پرداخته‌اند.

در میان آثار پیشینیان، کتب فراوانی در حوزه شرح داستان‌های قرآن و یا توضیح ابعاد داستانی و ادبی آیات قرآن دیده می‌شود. در حوزه ادبیات داستانی معاصر نیز استبعادی ندارد، که یک نویسنده برداشت خود از موضوعی قرآنی را در بستر داستان ارائه دهد. مع الوصف، چون برداشت‌های وی با توجه به ماهیت هنری و احساسی داستان، اثری مانا بر ذهن مخاطب دارد، باید در این زمینه، نهایت دقت و تدبیر لازم به خرج داده شود. در این بخش نمونه‌هایی از کار امیرخانی در حوزه درج برداشت‌های قرآنی وی، که گاهی ماهیتی تأویل گونه می‌یابد، نقل می‌گردد.

در نمونه زیر، نویسنده مطالبی از زبان شخصیت سهراب در مورد سایر شخصیت‌های رمان ذکر می‌کند که بخوبی نگاه تطبیقی امیرخانی در حوزه شخصیت پردازی شخصیت‌های رمان با برخی مفاهیم قرآن کریم را منعکس می‌کند؛ نگاهی که مقوله «مسخ» به عنوان مفهومی از مفاهیم قرآنی را به خوبی در قالب شخصیت پردازی برخی شخصیت‌های رمان بیوتن تبیین نموده است.

باتوجه به اینکه این قسمت از متن رمان، دیالوگ شخصیت فرازمینی و غیر مادی «سهراب» است، طبعاً اهمیت بسزایی دارد. چراکه وی به عنوان شهیدی والا مقام از بسیاری از نفسانیات و تعینات دنیوی پاک است و خواننده نگرش منقول از وی را

بخوبی خواهد پذیرفت. و بی‌شک این شیوه بیان و نگرش در نوع خود تفسیری نو و قابل تأمل از مفاهیم قرآنی همچون مفهوم مسخ را ارائه می‌کند.

امیرخانی در بخشی از رمان بیوتن از زبان شخصیت سهراب می‌نویسد: «مسخ چیز بدی نیست که... ظاهرش عذاب است. باطنش یعنی رسیدن به غایت وجودی! یارو می‌خواهد خوک شود. یک عمر گردنش نمی‌چرخد و به آسمان نگاه نمی‌کند. مثل خوک زندگی می‌کند. خود خدا از سر رحمانیت تسهیل می‌کند در امر این‌ها... تبدیلتان می‌کند به خوک... یک عمر پیامبری از پیامبران خدا را مسخره کرده‌ای. اداش را درآورده‌ای... چقدر خرج داشته است برای آن بالایی که بگوید «كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ».. همین سیلورمن‌ها، آرزوشان این بود که تبدیل بشوند به یک مجسمه فلزی... خدا حال داد بهشان و رساندشان به غایت وجودی‌شان! دعا کنید شما را هم برساند به غایت وجودی‌تان... هیچ کس آمین نمی‌گوید. صدایی مبهم از آسمان به گوش می‌رسد که: «كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيداً ... سنگ باشید یا آهن» (همان: صص ۴۰۳، ۴۰۲).

امیرخانی در نمونه یاد شده، مطالبی را در لا به لای متن داستان خود مطرح می‌کند که برداشت تفسیری وی از مقوله مسخ را نشان می‌دهد. برداشتی که مسخ را رسیدن به غایت وجودی تعبیر نموده است. از طرف دیگر کسی که رمان را خوانده باشد در می‌یابد که در رمان بیوتن شخصیت‌های مادی‌گرای اثر به صورت مصداقی از آیه ۵۰ سوره اسراء پرداخته شده‌اند.

رویه ارائه برداشت‌های تأویلی تفسیری امیرخانی، همچنین رویکرد تعیین مصداقی وی از برخی مفاهیم قرآنی در رمان بیوتن و در چند مورد دیگر از آثار وی مشهود است. برای نمونه، می‌توان به ارائه برداشت‌های تأویلی وی از مقوله قرآنی غذای حلال اشاره کرد، که صفحاتی از رمان بیوتن را به خود اختصاص داده است (همان: ۳۵۷ و ۱۷۷ و ۱۷۸۲۲۳ و ۲۳۷).

در این بخش‌ها مطالبی در طول سلسله حوادث رمان مطرح می‌شود که به نوبه خود سهم بسزایی در تبیین و شرح مفهوم رزق حلال دارد. اینکه نویسنده‌ای بتواند در

قالب یک اثر داستانی، نوع مواجهه چندین برداشت مختلف درباره یک موضوع قرآنی (موضوع ذبح حلال) را به چالش بکشد و دست آخر فلسفه و دلیل مرتبط با این مقوله را نقل کند بی‌شک کاری زیبا انجام داده است.

در قسمتی از سلسله حوادث رمان، اتفاقاتی می‌افتد که طی آن، عده‌ای از شخصیت‌های غافل رمان، ذبحی غیر اسلامی را برای مصرف عده‌ای از مسلمانان داستان پخت و پز می‌کنند. ارمیا برغم تمامی تلاش‌ها و استدلال‌های این شخصیت‌ها، این مقوله را به مسلمانان اطلاع رسانی می‌کند و در نهایت، با روشنگری نسبت به ماهیت غذای حلال در یک بخش کتاب قسمت‌هایی از بیانات تفسیری امام خمینی (ره) را نقل می‌آورد.

« خداوند در کتاب محکم‌ش فصلی به نام خوان یا مائده دارد. آیات ابتدایی این سوره با حلال و حرام ذبیحه‌ها آغاز می‌شود و چند آیه‌ی بعد خداوند ناگهان می‌فرماید: *الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي* (امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم) (مائده (۵) (۶۷) آیه‌ای که در شان واقعه‌ی غدیر خم نازل شد...»

امام در کتاب «آداب الصلوة» می‌نویسد: معنی آیه‌ی شریفه‌ی *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا* *أَوْفُوا بِالْعُقُودِ*، *أَحَلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةَ الْأَنْعَامِ* - ابتدای سوره مائده، به حسب باطن، آن است که *حَلَّتْ بَهِيمَةَ* انعام موقوف به وفاء به عهد ولایت است. و اهل معرفت ولی امر را مالک جمیع ممالک وجود و مدارج غیب و شهود دانند و تصرف کسی را در آن بی‌اذن امام روا ندارند؛ یعنی جان گوسفند را بی‌اذن، نمی‌توان گرفت..» (همان. ص ۲۳۲)

علاوه بر موارد یاد شده، نمونه‌های فراوان دیگری از روند درج برداشت‌های تفسیری و تأویلی امیرخانی در آثار وی مشاهده می‌شود. مثلاً، در مورد مفهوم «رجعت» نیز شاهدیم که وی با پرداختن به نقل قول‌هایی مانند دیالوگ شهدایی همچون سهراب،

این روند را مطرح می‌کند. وی یک‌جا با جمع‌بندی این موارد با درج مطالبی تطبیقی می‌نویسد:

«حاج مهدی فرمان‌ده گردان ۲۴... چه کار می‌کرد توی تاکسی فوررد زرد رنگ نیویورک؟»

«نکند او هم مثل سهراب آن‌جا باشد؟ نکند همه‌ی شهدا برگشته باشند؟ نکند رجعتی در کار باشد؟» (همان: ص ۲۴۲) امیرخانی در صفحاتی از این کتاب نظام آمریکا را بروشنی، مصداق عینی مفهوم شیطان بزرگ معرفی نموده است (همان: ص ۲۰۶).

۴- نقد آسیب‌شناسانه شیوه امیرخانی در به کارگیری آیات قرآن کریم

پیش از این یادآور شدیم که بنابر ماهیت هنری و غنایی ادبیات، درج محتوا و مفاهیم قرآنی در بستر یک اثر ادبی همچون رمان یا داستان کوتاه، ظرافت و دقت خاص خود را می‌طلبد. بنابراین، یک نویسنده هر قدر هم بر متن ادبی و سبک نگارشی خویش مسلط باشد، حتی اگر اشتباهات فاحشی هم نداشته باشد، باز هم می‌توان مواردی را جهت غنای بیشتر کار به او پیشنهاد داد. در این قسمت، سعی شده است اهم اشکالات موجود در کار قرآنی امیرخانی در حوزه ادبیات داستانی ارائه شده و پیشنهادهای جهت غنای بیشتر ارائه گردد.

شاید بتوان گفت نخستین نقص کار امیرخانی در نقل آیات قرآن کریم عدم نقل منبع این آیات است. هرچند تم و فضای رمان و ژانر ادبی حاکم بر آن ارجاع دادن به صورت پاورقی، درون‌متنی و... را بر نمی‌تابد، اما شاید وی می‌توانست حداقل در صفحاتی که به سور قرآنی مورد استفاده اشاره کرده، شماره آیه را نیز قید کند. مانند نمونه زیر: «در آیه سوره نساء» (بیوتن، ۲۵) که بدون نقل دقیق آدرس آیه (شماره آیه)، خواننده مشتاق و پیگیر را دچار حیرت و سردرگمی کرده است. بهتر بود نویسنده در

آخر کتاب چند صفحه‌ای را به فهرست اعلام آیات و روایات موجود در رمان اختصاص می‌داد.

باز هم تاکید می‌شود اگرچه این نوع فهرست‌نگاری در یک اثر ادبی همچون رمان شاید با نوشته‌های دیگر، متفاوت باشد، با این همه، باتوجه به حجم زیاد آیات و روایات موجود در این رمان، کاری بدیع و زیبا به نظر می‌رسد. استفاده از این روش می‌تواند ضمن جلوگیری از سرگردانی مخاطب کنجکاو برای پیدا کردن آیات در قرآن کریم، نمونه آیات با اعراب گذاری کامل را به مخاطب عرضه کند. چراکه در نقل بسیاری از آیات موجود در متن رمان بیوتن اعراب گذاری مطابق متن قرآن کریم صورت نگرفته (اگرچه در این مقاله بنا به نظر داور محترم مقاله آیات اعراب گذاری گردیده‌است) و می‌توان گفت این آیات به صورت رسم الخط فارسی در این رمان نگاهشته شده‌اند.

البته، موارد فراوانی هم یافت می‌شود که امیرخانی اقدام به درج آیات قرآن کریم با اعراب نموده است، اما این مهم، کلیت کار قرآنی امیرخانی را در بر نگرفته و در موارد اعراب گذاری شده نیز گاهی مواردی پیش می‌آید که اعراب گذاری آیات به صورت کامل انجام نشده است.

نکته دیگر این‌که در موارد معدودی مانند نمونه زیر که مربوط به گفتگوی شخصیت‌های رمان است، آیاتی از قرآن کریم به هر دو صورت فارسی-انگلیسی خوانده شده، و در اظهار نظر یکی از شخصیت‌های رمان این نوع قرائت از متن قرآن، تفسیر هرمنوتیک مدرن آن نامیده شده است.

- « بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا! »
- -آره! می‌گفت بزن بهم! بزن بهم!
- همه می‌خندند. جیسن می‌گوید:
- امروز از آن روزهاست ها! چه قدر می‌خندیم. خود خدا هم توی قرآن می‌گوید که كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ! یعنی هر "من" برای ش "فانی" است. برای هر انسانی

- تفریحی گذاشته‌ایم. دوباره همه می‌خندند. جیسن من و فان عربی را انگلیسی خوانده است. ارمیا هیچ نمی‌گوید. اما خشی از رو نمی‌رود.
- آن زمان‌ها چه عقل‌مان می‌رسید که همین‌ها می‌توانند تفسیر هرمنوتیک مدرنی باشد از قرآنی که مال همه‌ی زمان‌هاست..» (همان: ۲۶۷ و ۲۶۸).
- می‌توان گفت در این چند سطر، گفتگوی بین شخصیت‌های رمان، امیرخانی سعی دارد به صورتی نمادین و نوآورانه، سخافت پاره‌ای از تاویلات بی‌اساس در حوزه فهم مفاهیم قرآنی را به خواننده خود نمایش دهد. در عین حال، این قبیل تعبیرات به نوبه خود، می‌تواند پیش‌زمینه‌ای باشد برای پی‌گیری و ادامه چنین دریافت‌هایی از متن قرآن کریم.
- در موردی دیگر، مطلبی از زیان شخصیت خشی (شخصیت دنیازده و لذت‌طلب رمان)، نقل می‌شود که نخست، به اشتباه، به متن قرآن اشاره نموده و سپس تفسیری دور از ذهن از داستان حضرت یونس و آیات مربوط ارائه می‌دهد:
- «چهار سال پیش [تحقیقی] درباره یک اشتباه قرآنی که زیبایی را در سیاه چشمی می‌بیند انجام دادیم... پیدا کردیم که چرا غربی‌ها بیشتر بلوند هستند و رنگ مو و چشمشان مشک‌نیست... به آنزیم پَسین معده ربط داشت. متوجه شدیم اگر موی سفید را ۵ ساعت داخل پَسین یعنی آنزیم معده بیندازیم بور می‌شود. ارمیا اصلاً حوصله ندارد آرام می‌گوید:
- موی سر چه ربطی دارد به اسید معده؟
- ربط دارد! البته به اسید نه به آنزیم! از قرآن شما هم استفاده کردیم، تفسیر قرآن به قرآن که شما پزش را می‌دهید! می‌دانی کجا؟ آنجا که یونس پیام‌بر می‌رود شکم ماهی.. حالا وال باشد یا نهنگ یا هر ماهی بزرگ دیگری. بلاخره در معده‌اش پَسین داشته است دیگر.. غربی‌ها عمدتاً با بیش از ۳۰

جنریشن[نسل] فاصله از فرزندان یونس پیام‌بر به حساب می‌آیند و برای همین هم رنگ مو و چشمشان روشن‌تر است..(همان، صص ۲۲۹ و ۲۳۰)

اگرچه جدا کردن بخش خاصی از دیالوگ شخصیت شناخته شده‌ای مانند خشی بدون توجه به ماهیت شخصیتی وی در رمان کار درستی به نظر نمی‌رسد، اما چنانکه مشاهده می‌فرمایید، در این چند سطر، نخست، به مضمون اشتباه در قرآن اشاره شده که دور از ساحت قرآن کریم است. لازم است اشاره شود که مطلب یاد شده در بخش‌های انتهایی کتاب ذکر گردیده و بدون پرداخت خاصی، رها شده است.

به نظر می‌رسد اگر نویسنده در ذیل دیالوگی خاص و یا با ترفندی دیگر متذکر بوج بودن این ادعا می‌شد کاری بهتر و اثرگذارتر ارائه می‌شد. در ثانی، آزمایش‌های ادعایی انجام شده پیرامون رنگدانه‌های مشک‌ی موی سر و آنزیم پيسن نوعی تفسیر قرآن به قرآن و اقدامی در طول آن قلمداد شده است. بازهم گرچه مطالعه کامل رمان می‌تواند در ابهام زدایی چنین مطالبی رهگشا باشد، اما لازم است جهت عدم رسوخ چنین مطالبی در ناخودآگاه مخاطب، نویسندگان حوزه ابیات داستانی نهایت دقت و تمرکز خویش بر مبانی اصیل تفسیری را به کار بندند.

نتیجه‌گیری

آثار رضا امیرخانی در مقایسه با سایر آثار تولید شده حوزه ادبیات داستانی در برگیرنده حجم انبوهی از آیات و مفاهیم قرآنی بوده و از جمله شاخصه‌های اصلی قلم وی استفاده و استخدام خاص از آیات قرآنی و خوانش‌های هنری و بلاغی آن است. در میان آثار وی رمان بیوتن جایگاه ویژه‌ای دارد به گونه‌ای که در این رمان ۷۶ مرتبه از آیات قرآن استفاده شده است. کاربرد فراوان آیات قرآن در رمان بیوتن نشانه آن است که نویسنده قصد دارد هویت اسلامی شخصیت قهرمان داستان را به تصویر بکشد و نشان دهد که مسلمان هرکجا باشد، کلام الهی همراه اوست.

با توجه به میزان بالای ظهور مفاهیم و معانی قرآنی در آثار امیرخانی، می‌توان گفت وی سعی دارد با استفاده از تکنیک‌های هنری حوزه فن داستان‌نویسی و با خوانش داستانی و زیبا شناختی خاص خود از آیات قرآن کریم، به نوعی تفسیر داستانی از برخی آیات قرآن کریم بپردازد. در آثار وی، گاهی، ترجمه‌ها و تأویلاتی به چشم می‌خورد که بدون پرداختی مناسب رها شده‌اند. به نظر می‌رسد اگر مواردی از این تأویلات بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفتند اثر امیرخانی غنای بیشتری می‌یافت.

در آثار امیرخانی، موارد فراوانی از جنبه‌های نازیبا و غیر متعالی حیات دنیوی تصویر شده و ضدآرزوهای متعددی مورد نکوهش و نقد قرار گرفته است، اما با عنایت به آنچه که در این مقاله ارائه شد می‌توان گفت، هدف اصلی امیرخانی در طرح و استفاده از مفاهیم قرآنی در آثار داستانی خویش، نشان دادن جلوه‌های عالی زیستن، در بستر توجه به ارزش‌هایی همچون: تقوا، اخلاص، صبر، ولایت‌پذیری، طاغوت‌ستیزی و... بوده است.

یادداشت‌ها

۱. با توجه به قراین موجود در متن رمان، می‌توان نام این اثر را «بی و ن»؛ «بی وطن» قرائت نمود، که با توجه به رسم الخط خاص رمان و با نگاهی به تکنیک نگارشی نگارنده در سایر آثارش، در این نوشتار عنوان روی جلد این اثر یعنی: «بیوتن» درج می‌گردد.
۲. از جمله شخصیت‌های صامت رمان بیوتن که بارها در این اثر خودنمایی می‌کنند؛ سیلورمن (Silver men)، یا همان مردان نقره‌ای هستند، که یا برنزه کردن صورت و دست‌ها، خود را به شکل مجسمه یک مرد نقره‌ای ساکت درآورده و از این طریق گدایی می‌کنند.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها:

۱. قرآن کریم

۲. اسکولز، رابرت، (۱۳۷۹)، درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، نشر آگه.
 ۳. اشرفی، عباس. (۱۳۸۵)، مقایسه قصص در قرآن و عهدین، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر.
 ۴. امیرخانی، رضا، (۱۳۸۷)، بیوتن. چاپ چهارم، تهران، نشر علم.
 ۵. ایگلتون، تری، (۱۳۸۳)، پیش درآمدی بر نظریه ادبی، ترجمه عباس مخبر، چاپ سوم، تهران، نشر مرکز.
 ۶. بستانی، محمود، (۱۳۷۶)، پژوهشی در جلوه‌های هنری داستان‌های قرآن، ترجمه موسی دانش، چاپ دوم، مشهد، آستان قدس رضوی.
 ۷. بوکای، موریس، (۱۳۸۹)، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه، ذبیح الله دبیر، چاپ سوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۸. شاهنگی، محمد حسن، (۱۳۹۲)، خوانشی نقادانه از آثار رضا امیرخانی، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان.
 ۹. معرفت، محمد هادی، (۲۰۰۲م)، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، چاپ اول. قم، موسسه التمهید.
- (ب) مقالات: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۱۰. اسماعیلی، عطاءالله، (۱۳۹۰)، گفتگویی متفاوت با رضا امیرخانی، ماهنامه خیمه، شماره ۸۱. صص ۳۰ - ۳۷.
 ۱۱. حجازی، بهجت السادات، (۱۳۹۰)، «نقدی بر دو رمان از رضا امیرخانی» مجله پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، دوره ۵، شماره ۱، صص ۹۹ - ۱۲۴.

۱۲. دماوندی، مجتبی و جعفری کمانگری، فاطمه، (۱۳۹۱)، «رمان مدرن، روایتی دیگرگونه و دیریاب»، متن پژوهی ادبی دانشگاه علامه طباطبایی، سال شانزدهم، شماره ۵۳، صص ۱۵۶-۱۳۳.

۱۳. غفاری، سحر، (۱۳۸۹)، «پسامدرن تصنعی نقد و بررسی شگردهای فراداستان در رمان بیوتن»، فصلنامه علمی-پژوهشی نقد ادبی. س ۳، شماره ۹، صص ۷۳ - ۸۹.

۱۴. غنی، گلرخ سادات، احمدی، مینا، اکبری، منوچهر، (۱۳۹۴)، «تحلیل زیبایی شناختی چند عنصر داستانی در سه رمان رضا امیرخانی (ارمیا، من او، بیوتن)»، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی شماره سی و هفتم، صص ۵۵ - ۸۸.

۱۵. فرهنگی، سهیلا، معصومه باستانی خشک بیجاری، (۱۳۹۳)، «نشانه‌شناسی اجتماعی رمان بیوتن»، فصلنامه تخصصی نقد ادبی، ش ۲۵، صص ۱۲۱ - ۱۵۱.

۱۶. گرجی، مصطفی، یوسف رضا حامدی، (۱۳۸۹)، «بررسی و تحلیل رمان بیوتن با تأکید بر عنصر شخصیت و شخصیت پردازی»، فصلنامه تخصصی پیک نور زبان و ادبیات فارسی، سال اول، شماره اول، صص ۱۶۱ - ۱۸۳.